

دولت و فرصت و تهدید سرمایه اجتماعی سیال.



بزنگاه انتخابات مجلس و ضرورت هوشیاری دولت اعتدال
حجم نابسامانی ها و روندهای نامعوج به مثابه فتری منقبض شده بود که با آمدن دولت تدبیر و امید رها شده و دایره وسیعی از مطالبات را به سمت و سوی دولت گسیل داشته بود. فرآیندی که هم واجد بار مثبت بود و هم می توانست تأثیری مخرب از خود بر جای بگذارد.

شامگاه شنبه 25 خرداد سال 92 ، خیابان های سراسر کشور مملو از جوانان، دختران، پسران، زنان و مردانی بود که با روبان های بنفش و کلیدهایی بر دست، تصاویری از دکتر حسن روحانی و حامیان محبوب و بزرگ وی را حمل کرده و به خیابان ها پای کویان و دست افشان سرازیر شده بودند تا جشن ملی گذار از دورانی سخت و حرکت در مسیر چشم اندازی مطلوب را با صلابتی دو چندان به منصه ظهور برسانند.

دولت تدبیر و امید با هزاران امید و آرزو بر ساختار هرم اجرایی کشور تکیه زد تا رتق و فتق اموری را که در نابسامانی آن دوست و دشمن متفق القول بودند بر عهده بگیرد.

حجم نابسامانی ها و روندهای نامعوج به مثابه فتری منقبض شده بود که با آمدن دولت تدبیر و امید رها شده و دایره وسیعی از مطالبات را به سمت و سوی دولت گسیل داشته بود. فرآیندی که هم واجد بار مثبت بود و هم می توانست تأثیری مخرب از خود بر جای بگذارد.

سرمایه اجتماعی ایجاد شده که در ابتدای دولت تدبیر و امید خود را در سکنا و وجنات مختلف نمایان می کرد و در سپهرهای مختلف رد و نشان آن بوضوح قابل لمس بود از یکسو امتیاز بزرگی برای پیشبرد منویات دولت محسوب می شد و از طرف دیگر این زنگ هشدار را هم به صدا درمی آورد که اگر این سرمایه های اجتماعی بدرستی و هدفمند کالالیزه و از طرف دیگر مطالبات آنان پاسخ داده نمی شد، می توانست کارکرد معکوسی را به منصه ظهور رسانده و دولت را به سرعت از مدار محبوبیت خارج سازد.

در همین راستا بود که بسیاری از تحلیل گران در اخطارهای متعدد به دولت برای اهتمام د مسیر کنترل مطالبات در سطوح مختلف اجتماعی بر اساس واقعیات میدانی و تشریح و تبیین واقعیات برای گروه های اجتماعی گفته و از طرف دیگر به دولت این انداز و اخطار متواتر داده می شد که فکری برای سامان دهی توده های حامی و کنشگران ستادی خود بکند تا در آینده دور و نزدیک با مشکلات از این ناحیه روبرو نشود.

نکته جالب آنکه منطقی کردن مطالبات و همچنین بهره گیری از پتانسیل های نیروهای که وفاداری خود را به گفتمان اعتدالی پیش تر و در هنگامه برون از قدرت نشان داده بودند می توانست اهرمی بس بزرگ در راستای رتق و فتق امور بدست دولت تدبیر و امید بدهد. روندی سهل الموصل و بدون هزینه های آنچنانی و دست یافتنی، مضاف بر اینکه در شرایط حاد و نه چندان مطلوب در حوزه های مختلف دولت نیازمند یاری رسانی همه اجزای قدرت و بهره گیری از تمامی پتانسیل های بالقوه و بالفعل بود.

حال با گذشت نزدیک به 9 ماه از آغاز به کار دولت این نکته بر همگان آشکار شده که طیفی اقلیت اما پر قدرت و برخوردار از امکانات مختلف مادی و معنوی که رسانه ها و ابزارهای مختلفی برای ایجاد جنگ روانی در اختیار دارند سر آشتی جویی با دولت نداشته و از هر فضا و زمینه ای ولو با بهره گیری از روش ها و منش های کاملاً غیر اخلاقی برای آسیب به دولت بهره می گیرند.

این نکته هم بر کسی پوشیده نیست که دولت و اضلاع و اجزای دست اندرکار آن با تمامی توان در راه رتق و فتق بهینه امور اهتمام می ورزند اما برای مقابله با دست اندازیه های واقعی و تصنعی ایجاد شده از سوی هوچی گران که وقفه و سکونی هم نداشته و نمی توان حد یقینی برای آن متصور بود دولت باید برای آگاهی بخشی در سطوح مختلف و منطقی کردن مطالبات و بهره گیری از سرمایه های اجتماعی مغفول مانده خود فکری جدی به کار بگیرد.

یادمان باشد که فرصت ها چون برق و باد در حال گذر هستند و این نکته را هم از یاد نبریم که طیف تندرو اگر در اداره بهینه کشور و یا حرکت بر مدار توسعه و پیشرفت و تدوین نظری و عملی راهکاری مطلوب تخصص و تبحری ندارد و نتایج این عملکردها طی هشت سال بر همگان مکشوف و هویدا شده در ایجاد جنگ روانی، وارونه نمایی، بهره گیری از پوپولیسم و قلب واقعیت مقطعی و گول زننده تبحر دارد و بزننگاه های حساسی چون انتخابات مجلس در برابر ماست و اگر روندهای منفعلانه و بدور از هم افزایی میان ارکان مختلف اعتدالی و اصلاحی و بهره گیری از پتانسیل های نیروها و جریان های مغفول مانده در پازل قدرت اجرایی به کار گرفته نشود بازگشت پوپولیسم و تحجر از پنجره حال اگر نه با آن مصادیق پیشین که در نوع و شکلی دیگر دور از ذهن نخواهد بود.

دولت خدمات و کارهای بزرگ و غیر قابل کتمان را طی مدت سپری شده به انجام رسانده و روندهای وحشتناک و نزولی در حوزه های مختلف را سامانی داده اما همه مردم به علت ضعف بازخورد رسانه ای، وضعیت ناپهنجاری که تا عادی شدن امور زمان بر بوده و همه به پای دولت فعلی نوشته می شود و اقدامات ایدایی و جنگ روانی افراطی ها چندان اشرافی به این تحولات و دستاوردهای بزرگ ندارند و از طرف دیگر نیروهای توانمند و شایسته حامی گفتمان اعتدال هم به دلایل مختلف جذب و هضم ساختار اجرایی نشده و این نیز نکته ای است که باید برای آن فکری اندیشید. چرا که اگر ارتباطات منطقی و نظامند میان راس هرم اجرایی و منویات وی و بدنه دولت در سطوح مختلف نباشد بی گمان دولت زمین گیر شده و نمی تواند آنگونه که بایسته و شایسته است به ایفای وظیفه پردازد.